



بِه نام خِداوَن دِخِش تَنده مِه رِبان



جلسه دوم

آثار و اسرار نماز



مرکز آموزش مجازی دانشگاهیان





جلسه دوم

شرایط صحت، قبولی و کمال نماز

شرایط نماز:

(۱) شرط صحت؛ یعنی نماز باید درست باشد

(۲) شرط قبولی

(۳) شرط کمال

(۱) شرط صحت نماز، اول آن این است که باید "عقل" باشد، "تکلیف" باید باشد، "قدرت" باید باشد، "تقلید" باید باشد، نماز بی تقلید مانند بنایی بدون پروانه است. ممکن است که شهرداری هم بگوید اگر می‌آمدی پروانه می‌گرفتی همین‌طور پروانه به تو می‌دادیم، باید عمل انجام شده با فتوای آن مرجع مطابقت داشته باشد. تقلید هم در قرآن آمده است. «فبهدیهم اقتده» خداوند به پیامبر(ص) هم می‌فرماید خط انبیاء قبل را تقلید کن. در نهج‌البلاغه به استاندار می‌فرماید که راه‌های خوب سنت‌های قبلی را پیروی کن.

تقلید، یک کار عقلایی است. وجود کارشناس است. در دنیا همیشه به کارشناس مراجعه می‌کردند. ما باید تقلید کنیم، یعنی دین‌مان را از کارشناس بپرسیم. منتهی مجتهد ما باید عادل باشد، گناهی از او سراغ نداشته باشیم، اعلم باشد، باسوادترین باشد، باتقواترین باشد، زاهدترین باشد. پس شرط صحت، عقل و قدرت و تقلید است.

یکی دیگر از شروط صحت، "تعبد" است. تعبد یعنی همان‌طور که گفته شده باید انجام بدهیم. اگر گفتند ۳۴ متری را بکنید به گنج می‌رسید چون در ۳۳ متری و ۳۵ متری گنج نیست، یعنی همان‌طور که گفتند. نماز؛ مثل گد تلفن است. ۰۲۱ را یک شهر برمی‌دارد، ۰۳۱ یک شهر دیگر، ۰۴۱ یک شهر دیگر، ۰۷۱ یک شهر دیگر. همان‌طور که گفتند. اگر دکتر گفت نصف قرص را بخورید باید بگوییم چشم. اگر گفت با آب نیم‌گرم، با قاشق



مرباخوری، دو ساعت به دو ساعت باید بگوییم چشم.

اگر بخواهیم عمل‌مان صحیح باشد باید آنچه که گفته شده عمل بشود. ممکن است بگوییم پس "عقل" ما چیست؟ عقل ما در اصل است. خدا را باید با عقل شناخت. انتخاب مرجع تقلید هم با عقل است. بعد که خدا را شناختیم، پیامبر را شناختیم و مرجع تقلید را با عقل انتخاب کردیم، در انتخابات آزاد هستیم. اما بعد دیگر هرچه گفتند، باید به آن عمل کنیم.

مثل این که شما می‌توانید پزشکتان را با عقل انتخاب کنید که کدام پزشک استادتر است، وقتی فهمیدید که پزشک استاد است دیگر هرچه گفت گوش می‌دهید. مکانیک را بررسی کنید بهترین مکانیک را با عقل‌تان انتخاب کنید منتهی وقتی مکانیک را انتخاب کردید دیگر اگر او ماشینت را بهم ریخت بیرون ریخت، سوار کرد و پیاده کرد دیگر هیچ چیز نمی‌گویید بلکه می‌گویید مکانیک درجه یک است.

مرجع درجه یک انتخاب کنید بعد دیگر هرچه گفت بگویید چشم. پزشک درجه یک انتخاب کنید دیگر هر نسخه‌ای داد بگویید چشم.

تعبّد نه تقیه

در مقابل تعبّد، تقیه داریم. بعضی‌ها دستورات خدا را تغییر می‌دهند. ما سه نوع "تغییر" در قرآن داریم. بعضی‌ها تغییرات لجوجانه است، لجبازی می‌کنند. بعضی روشنفکرانه است، روی روشنفکری قانون خدا را تغییر می‌دهند. بعضی کلاه شرعی می‌گذارند مقدسانه. لجوجانه چیست؟ خداوند در قرآن می‌فرماید به بنی‌اسرائیل گفتیم یک عفواً بگویید، یعنی خدایا ما را بخشش. به بنی‌اسرائیل گفتیم توبه کنید و یک عفواً بگویید، منتهی عفواً، حطّه هست. «قولوا حطّه»، حطّه، یعنی عفواً، خدایا ما را ببخش. این‌ها مسخره کردند و عوض «حطّه» گفتند «حِطّه» یعنی «حطّه» را «حِطّه» کردند یعنی تغییر دادند منتهی روی لجاجت؛ که خداوند می‌فرماید این‌ها را به شکل میمون درآوردیم



بخاطر این که حکم خدا را مسخره کردند. توهین به مقدسات.

یک تغییر هم برای روشنفکران است. در قرآن داریم «منها اربعه حُرْم» در سال که ۱۲ ماه است ۴ ماه آتش بس جنگ نکنید. گاهی که جنگ داغ می شد به یکی از این ۴ ماه می رسیدند، ذی القعدة، ذی الحجه، محرّم، (سه ماه پشت سر هم هستند) یک ماه هم ماه رجب است. یعنی یکی از این سه ماه جداست، آن سه تایی دیگری پشت سر هم هستند، یک ماه حج است، یک ماه قبل از ماه حج است، یک ماه هم بعد از ماه حج. «اربعه حُرْم» یعنی در سال ۴ ماه آتش بس. یک عده می گفتند حالا تنور جنگ داغ است بگذار بجنگیم عوض این یک ماه دیگر تعطیل می کنیم «إِثْمًا نَسِيئُهُ زِيَادَةٌ» یعنی روی حساب روشنفکری ماهها را جابجا می کردند. عقب می انداختند، جلو می انداختند. تغییر ماههای آتش بس، ماههای حرام.

یکی هم کلاه شرعی. خدا به یهودی ها گفت شنبه ماهی نگیرید، اینها حوضچه هایی کنار رودخانه درست می کردند ماهی ها می آمدند در حوضچه، در سوراخ را می گرفتند ماهی ها را یکشنبه می گرفتند. یعنی روز شنبه که گفته بودند ماهی نگیرید ماهی ها را گیر می انداختند یکشنبه می گرفتند! کلاه شرعی.

سه تغییر در قرآن آمده است، تغییر لجوجانه، حطه را حنطه می گفتند.

تغییر روشنفکرانه، ماههای حرام را جابجا می کردند می گفتند غرض این است که چهار ماه باشد حالا فرق نمی کند عوض این ماه یک ماه دیگر باشد. تغییر کلاه شرعی و تغییر مقدسانه. ما باید در عبادت، مو به مو تعبّد داشته باشیم.

اگر خواسته باشیم نمازمان قبول باشد، در شرایط قبولی، چندتا است: (۱) شرط اعتقادی؛ یعنی اگر خواستیم کارمان قبول باشد باید ایمان داشته باشیم. «إِثْمًا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ» داریم «مَنْ عَمَلًا صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ»، «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» یعنی هر کس. چندتا آیه به این هست، کسانی که کار خوب انجام می دهند «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» مثل این که می گوئیم من آب می خواهم در ظرف شیشه ای، شما اگر در سفال بکنی من قبول



نمی‌کنم. «و هو مؤمن».

۲) یکی شرط سیاسی است. رهبری الهی؛ همان که می‌گوییم نماز بی‌ولایت قبول نیست. داریم «مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَتِهِ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَّهُ فِيهِ مَقْبُولٌ» اگر کسی عمری نماز بخواند اما رهبر او رهبر آسمانی نباشد، تلاش او بی‌فایده است!

۳) شرط اخلاقی؛ اگر خواستیم کارمان قبول باشد یک شرط اخلاقی دارد «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» تقوا. قرآن می‌گوید از افراد باتقوا کار قبول است.

۴) شرط اقتصادی؛ داریم که لقمه باید حلال باشد، کسی که با لقمه حرام نماز بخواند، حدیث داریم مثل کسی است که ساختمان روی شن می‌سازد!

۵) شرط اجتماعی؛ اگر کسی نماز بخواند ولی در جامعه به محرومین نرسد. حدیث داریم که نماز بی‌زکات قبول نیست. ۲۷ تا آیه نماز و زکات با هم هستند. پیامبر(ص) آمد به مسجد، و ۵ نفر را بیرون کرد، فرمودند پا شو بروید بیرون. پرسیدند چرا؟ فرمود چون این‌ها نماز می‌خوانند اما زکات نمی‌دهند. نماز بی‌زکات قبول نیست. کسی که غیبت بکند نمازش قبول نیست.

۶) شرط بهداشتی؛ داریم حتی اگر کسی نماز بخواند با غذای مسموم. یعنی اگر کسی مشروبات الکلی بخورد نمازش قبول نیست.

۷) شرط خانوادگی؛ حدیث داریم زن و شوهری که به هم نیش بزنند نماز هیچ کدامشان قبول نیست.

پس ببینید اگر خواسته باشیم نمازمان قبول باشد، مثل این که ماشینی بخواهد راه برود باید گازش، ترمزش، چرخش، موتورش، و... یعنی یک مجموعه‌ای که سالم شد نماز است. علت این که نمازهای ما، کم خاصیت است این است که یک جایش خراب است! یا لاستیکش نیست، تخمه ما که سبز نمی‌شود چون پوک است. اگر مغزدار بود «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» لذا داریم اگر می‌خواهید ببینید نمازتان قبول



شده یا نه؟ به مقداری که از فحشا و منکر دور شدید معلوم می‌شود نمازتان قبول است. یک شرایطی هم به عنوان شرایط "کمال" داریم. شرایط کمال را نمی‌نویسم، چون شرایط کمال زیاد است. صدها دستور است که اگر می‌خواهید نمازتان کامل بشود این مستحبات را هم عمل کنید. مسواک بزنید، یک رکعت نمازتان وقتی وضو، مسواک بزنید، یک رکعت آن ۷۰ برابر می‌شود. پیامبر ما مسواکش پشت گوشش بود، مثل نجارهایی که قلمشان را پشت گوششان می‌گذارند. با لباس سفید نماز می‌خواند. رنگ لباس مهم است. در قرآن داریم «لونها تسرّ ناظرین» رنگ شاد. عطر بزنید. وقتی وضو می‌گیرید دنیا را به آخرت گره بزنید، وقتی صورت‌تان را می‌شوید خدایا صورت من را روز قیامت سیاه نکن، چون مجرمین روسیاه هستند. دست راست را می‌شوید خدایا روز قیامت نامه عملم را دست راستم بده، مسح پا می‌کشی، خدایا پایم را بر صراط نلغزان. یعنی در وضو، رابطه بین دنیا و آخرت برقرار کنید. سجده می‌کنید، خاک کربلا باشد. روی زمین سجده می‌کنیم، بهترین زمین خاک است، و بهترین خاک هم خاک کربلاست. عطر بزنید. یک پارچه‌ای روی دوش‌تان بیندازید. با تائی نماز بخوانید، خواب‌آلود نباشید. با جماعت بخوانید، اول وقت بخوانید، در مسجد بخوانید، این‌ها شرایط کمال است.

نماز، خیلی مهم است. یک قصه شنیدنی برای شما بگویم. در قرآن اسم چند گروه برده شده است یهودی‌ها، مسیحی‌ها، مجوسی‌ها، یکی هم صائبین. الآن هم یک مقدار از این گروه صائبین در اهواز هستند. عقیده‌ای دارند راجع به ستاره‌ها، راجع به حضرت یحیی. اعتقاداتی دارند، رفتاری دارند که باید زندگی‌شان در کنار رودخانه باشد، در کنار رود کارون هستند. کار به عقاید و افکارشان ندارم. این‌ها یک دانشمندی داشتند رهبر صائبین به نام عمر. با امام رضا(ع) چند جلسه بحث کرد، در چند جلسه علمی، امام رضا(ع) حسابی او را از نظر علمی قانع کرد. طرف ضربه خورد یعنی قانع شد که حق با امام رضاست. تا داشت فکر می‌کرد صدای اذان بلند شد، امام رضا بلند شد رفت. مردم گفتند آقا بنشین، این مهمترین فرد صائبین در کره زمین است، و دانشمندترین فرد است، و بسیار دانشمند مغروری است زیر بار نمی‌رود. ایشان در این جلسه تسلیم شد،



شما چند دقیقه جلسه را ادامه بدهید که ایشان اسلام بیاورد و مسلمان شود و اگر ایشان مسلمان شود همه فرقه صائبین مسلمان می‌شوند. شما حالا امروز نمی‌خواهد نماز اول وقت بخوانید، این جلسه مهمی است از مهمترین جلسات تاریخ است. فرمود ولش کنید، نماز.

و حضرت امام خمینی هم چنین کاری را کرد، مهمترین روز تاریخ، روز فرار شاه. حاج احمد آقا می‌گفت من خودم شنیدم، صدها خبرنگار آمدند فرانسه نوفل لوشاتو، دوربین‌ها را کاشتند مستقیم حرف امام را با دنیا مخابره می‌کردند، صدای امام مستقیم در تلویزیون‌های دنیا پخش می‌شد. روی چهارپایه دو سه جمله گفته و نگفته، حاج احمد آقا می‌گفت من پای صندلی بودم، گفت احمد وقت شده است؟ گفتم آقا اول وقت الان است تا گفتم اول وقت الان است اصلاً خدا حافظی نکرد رفت. دوربین‌چی‌ها گفتند کجا رفت؟ فرمودند نماز اول وقت.

و در زمان جنگ، جناب آقای صیاد شیرازی با مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس جمهور بود با آقای هاشمی که رئیس مجلس بود و سران مسئولین کشور رفتند خدمت امام گزارش بدهند. یک کسی داشت صحبت می‌کرد امام وسط صحبت او بلند شد رفت. می‌گویند ما همه ماندیم جرأت نکردیم صحبت کنیم، آقای هاشمی رفسنجانی گفتند آقا حال‌تان خوب نیست مشکل دارید؟ فرمود نماز اول وقت. اجازه نداد حرف او تمام شود! این‌ها برخوردهایی بوده که اولیای ما با نماز داشته‌اند. ولی خب متأسفانه در کشور ما، نماز جایگاه خودش را ندارد و نماز را سبک شماردیم.

آخرین حرف امام صادق (ص) چه بود؟ فرمود همه بستگان را دعوت کنید، چشمانشان را باز کردند فرمودند هر کس نماز را سبک بشمارد ما شفاعت او را نمی‌کنیم.

حالا ما نماز را سبک شمرده‌ایم یا نه؟ (یک) شمای مدیر، اتاق مدیر بهتر است یا نمازخانه اداره؟ (دو) وزارت مسکن، شهرک‌ها، اول آب و برق و تلفن و جاده و جدولش حساب است یا اول نمازخانه؟



در دبیرستان، به نماز بچه‌ها چقدر رسیدگی می‌شود؟ وضع مساجد در محل‌ها چطوری است؟ خادم‌ها چطوری است؟ اذان‌ها با نوار است یا با حلقوم؟

در قرآن می‌فرماید «خادمین مسجد» ۴ نفرند. ابراهیم و اسماعیل «طَهْرًا بَيْتِي»؛ زکریا و مریم «نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» قرآن می‌گوید خادم مسجد، حضرت ابراهیم بود و حضرت اسماعیل بود، حضرت زکریای پیامبر بود، و حضرت مریم. الآن خادم مسجد کیست؟ طبقه مستضعف و محروم. خب این استخفاف است. همانطور که غبارروبی امام رضا(ع) شخصیت‌های اول می‌روند، غبارروبی مسجد هم باید شخصیت‌های اول بروند. خادمین مسجد باید شخصیت‌های بالا باشند. هر اداره و هر مدیری، مسجدی که نزدیک اداره‌اش هست خادم افتخاری مسجد بشود.

بی‌توجهی به نماز اول وقت. به هر حال ما داریم نماز را سبک می‌شماریم و انشاء الله تکرار نکنیم.